

فقه حکومتی؛ نرم‌افزار توسعه انقلاب اسلامی

عباسعلی مشکانی سبزواری*
ابوالفضل سعادت‌تی**

چکیده

انقلاب اسلامی در مراحل سه‌گانه خود، یعنی ایجاد، استقرار و توسعه، با محوریت فقه حرکت کرده است. در مرحله ایجاد با استفاده از فقه سنتی، در مرحله استقرار با استفاده از فقه پویا و هم‌اکنون و در مرحله توسعه از کشور و دولت اسلامی به «تمدن اسلامی»، نیازمند فقه حکومتی است. در مقاله حاضر، مراحل پیش‌گفته تبیین و به ضرورت استمداد از فقه حکومتی برای گذار از مرحله استقرار به مرحله توسعه استدلال شده است. بررسی وضعیت فقه در دوره ایجاد و استقرار انقلاب و ترسیم خط‌مشی گذار از دوره موجود به دوره توسعه انقلاب و نرم‌افزار مورد نیاز آن، بخش پایانی مقاله را به خود اختصاص داده است.

واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی، ایجاد انقلاب، استقرار انقلاب، توسعه انقلاب، فقه سنتی، فقه پویا، فقه حکومتی.

مقدمه

ایجاد، استقرار و توسعه، سه مرحله‌ای است که غالب انقلاب‌ها، از جمله انقلاب اسلامی طی آن به اهداف خود نائل می‌شوند. انقلاب اسلامی دو مرحله از مراحل سه‌گانه را با موفقیت پشت سر نهاده و هم‌اکنون در مرحله سوم به سر می‌برد. مرحله ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازی تاریخ تشیع دارد، اما نمود و ظهور عینی آن از سال ۴۲ شروع و در سال ۵۷ به سرانجام رسید. مرحله دوم بلافاصله پس از پیروزی، آغاز

meshkani.a@gmail.com
abolfazl1971@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۱۰

*. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم. (تخصصی فقه و اصول و کلام اسلامی).
**. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.
تاریخ دریافت: ۹۱/۵/۱۲

و با تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت و نهادهای قانونی حکومتی، شروع شد. هم اکنون انقلاب اسلامی پای در مرحله سوم نهاده و براساس یک برنامه بلندمدت درصدد توسعه و ارتقای جمهوری اسلامی از «کشور و دولت اسلامی» به «تمدن اسلامی» می‌باشد. بدیهی است هر کدام از مراحل پیش‌گفته نیازمند نرم‌افزاری است که بدون استفاده از آن، هیچ‌گونه موفقیتی متصور نیست. این نرم‌افزار برای انقلاب اسلامی، «فقه» بوده و مجری آن فقیه است. انقلاب اسلامی بر مبنای فقه اسلامی و با رهبری فقهی جامع‌الشرایط، ایجاد، مستقر و هم‌اکنون در مرحله توسعه به سر می‌برد. با توجه به تفاوت ماهوی مراحل سه‌گانه انقلاب، بدیهی است که نرم‌افزار آنها نیز با هم متفاوت خواهد بود.

انقلاب اسلامی با محوریت فقه سنتی هزار و چهارصدساله شیعه به وقوع پیوست. اما در مرحله استقرار، به سبب پیشامد مسائل و موضوعات جدید و عدم توانایی پاسخگویی فقه سنتی، فقه پویا (به معنای مثبت آن)، با نگرش بسط موضوعی و استفاده از علوم تخصصی و دخالت دادن زمان و مکان در اجتهاد، پا به عرصه نهاد. اکنون و در مرحله توسعه انقلاب، نرم‌افزارهای پیشین جوابگو نیست. دلیل آن نیز نوع نگاه دو نرم‌افزار پیشین به مسائل و موضوعات است. نگاه حاکم بر آن دو، نگاه فردی است. این در حالی است که مرحله توسعه انقلاب و تبدیل آن به تمدن اسلامی، نیازمند فقهی نظام‌ساز است و نگاه حاکم در فقه نظام‌ساز، باید نگاه کلان، اجتماعی و حکومتی باشد. این نرم‌افزار به ابتکار مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) «فقه حکومتی» عنوان یافته است. نویسندگان در مقاله حاضر پس از تبیین مراحل سه‌گانه پیش‌گفته و تشریح شرایط و نرم‌افزارهای هر کدام، پیرامون نرم‌افزار مرحله توسعه انقلاب اسلامی، به بحثی تفصیلی پرداخته‌اند.

خدمات متقابل فقه و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با تکیه بر آموزه‌های فقه، شکل و در مسیر پیشرفت قرار گرفت. فقه نیز به مثابه تبیین‌کننده نرم‌افزار نظام‌ساز اسلام و به عنوان مهم‌ترین عامل اداره جامعه اسلامی که تا پیش از انقلاب اسلامی به محاق رفته بود، به صحنه اجتماع و حکومت درآمد و در مسیر تکامل و توسعه قرار گرفت. توضیح اینکه: از مهم‌ترین نوآوری‌های امام خمینی علیه‌السلام در کنار ارائه تئوری انقلاب بر مبنای فقه، اجتهاد انقلابی و انقلاب در اجتهاد بود. ایشان با انقلاب اسلامی ایران تحول مهمی را در اجتهاد و فقاہت ایجاد کردند؛ زیرا هر چند که ایشان، انقلاب اسلامی را با تکیه بر اجتهاد شیعه و بر بنیادهای فقه سنتی و جواهری استوار کرد، اما همین انقلاب با توجه به ابعاد اجتناب‌ناپذیر فقه و سیاست و حضور عملی فقه در عرصه‌های عمومی جامعه، لاجرم مقدمات انقلابی را در درون فقه و اجتهاد سنتی به تدریج فراهم کرد. هدف اساسی امام علیه‌السلام توضیح این مسئله بود که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عرصه فرد و جامعه پیاده کنیم. (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۱۱ / ۶۶۱) و بتوانیم برای معضلات زندگی در دنیای امروز جواب متقن داشته باشیم. ایشان در همین راستا می‌فرمود:

حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت

نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است. (همان)

روشن است که اگر حکومت فلسفه عملی فقه است، ضرورت بالندگی و نشاط حکومت، مستلزم آزادی اجتهاد، رونق، توسعه و تکامل فقه همگام با پیشرفت و توسعه حکومت خواهد بود. امام خمینی علیه السلام با توجه به همین نکته، می‌فرماید:

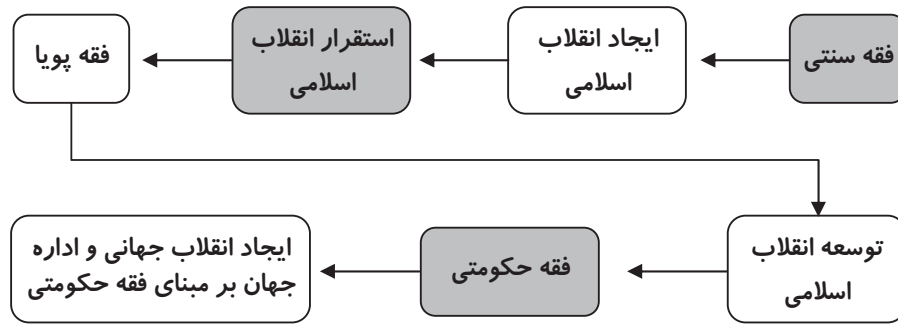
لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف، ولو مخالف با یکدیگر، آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد. (همان: ۴۷)

در جای دیگر می‌فرماید:

زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام، ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. (همان: ۲۱ / ۹۸)

با توجه به نکات مذکور، اثرگذاری و اثرپذیری هر کدام از انقلاب اسلامی و فقه اسلامی بر یکدیگر مشخص می‌شود. انقلاب اسلامی مبتنی بر فقه سنتی به وجود آمد. شرایط و مسائل پیش‌آمده بعد از ایجاد انقلاب، فقه سنتی را ناگزیر از تحول کرد و فقه را از مرحله سنتی، به مرحله فقه پویا وارد نمود. امروز نیز بر مبنای ضرورت تطابق فقه با شرایط زمان و مکان و نیز با توجه به مرحله توسعه انقلاب اسلامی از کشور و دولت اسلامی به تمدن اسلامی، فقه دومین تأثیرپذیری اساسی از انقلاب اسلامی را داشته و لاجرم نیازمند رحلت از مرحله فقه پویا به درآمدن به دنیای فقه حکومتی می‌باشد. خلاصه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فقه و انقلاب به قرار ذیل است:

۱. اثرگذاری اساسی فقه سنتی بر انقلاب اسلامی و ایجاد آن؛
 ۲. اثرپذیری فقه سنتی از انقلاب اسلامی در دوره استقرار و گذار از مرحله فقه سنتی به مرحله فقه پویا؛
 ۳. اثرپذیری ثانویه فقه از انقلاب اسلامی در دوره توسعه و گذار از مرحله فقه پویا به مرحله فقه حکومتی؛
 ۴. اثرگذاری فقه حکومتی بر انقلاب اسلامی و تبیین ضرورت صدور انقلاب به جهان و ایجاد انقلاب جهانی و اداره جهان بر مبنای فقه حکومتی. اثرپذیری انقلاب اسلامی از فقه حکومتی و ایجاد انقلاب جهانی اسلامی، مرحله ایدئالی است که پس از ایجاد تمدن اسلامی، مجال طرح می‌یابد.
- باید اذعان داشت که امروزه با تکوین نظام اسلامی و بیدایش مسائل گوناگون و تحول عظیم در ساختار ابعاد مختلف جامعه فردی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، سیاسی و روابط بین‌الملل و به وجود آمدن زمینه اجرایی و عملی برای فقه اجتهادی، زمینه‌های تحول در فقه با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی فراهم آمده است.



مرحل سه‌گانه انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی علیه السلام، همچون اغلب انقلاب‌ها، به سه دوره تقسیم می‌شود:

۱. ایجاد انقلاب اسلامی

اولین مرحله انقلاب اسلامی، یعنی ایجاد انقلاب اسلامی، گرچه پیشینه‌ای به درازی تاریخ تشیع دارد، اما نمود و ظهور عینی آن از سال ۴۲ شروع و در سال ۵۷ به سرانجام رسید.

۲. استقرار انقلاب اسلامی

مرحله دوم، یعنی استقرار انقلاب اسلامی، بلافاصله پس از پیروزی، آغاز و با تصویب قانون اساسی و تشکیل دولت و نهادهای قانونی حکومتی، شروع شد. اهمیت و ویژگی این مرحله در آن است که انقلاب اسلامی در صورت موفقیت در این مرحله، وارد مرحله توسعه و حرکت از جمهوری اسلامی به سوی تمدن اسلامی می‌شود. با توجه به موقعیت تثبیت شده جمهوری اسلامی، می‌توان ادعا کرد مرحله استقرار انقلاب اسلامی با موفقیت پشت سر نهاده شده است.

۳. توسعه انقلاب اسلامی

هم اکنون انقلاب اسلامی پای در مرحله توسعه انقلاب نهاده و براساس یک برنامه بلندمدت درصدد توسعه و ارتقای «کشور و دولت اسلامی» به «تمدن اسلامی» است. توسعه انقلاب اسلامی از کشور و دولت اسلامی به تمدن اسلامی، به معنای فراگیری منطقه‌ای و بین‌المللی اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی است. اهمیت این مرحله از آن جهت است که در صورت موفقیت در این دوره، انقلاب اسلامی، پای در انقلاب جهانی اسلامی و تمدن جهانی اسلامی در اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره چهارم مبتنی بر نگرش جهانی، گفتمان انقلاب اسلامی و فقه حکومتی خواهد شد. لذا باید افق دید و چشم انداز ما در این دوره بر اساس تثبیت پایه‌های لازم برای تحقق چنین حرکتی در دوره چهارم صورت پذیرد.

مقایسه مراحل سه گانه انقلاب اسلامی

این تقسیم ناظر به حرکتی است که فقه اسلامی به عنوان مهم‌ترین عامل اداره جامعه اسلامی باید در دوره‌های یاد شده و نیز دوره‌های پیش رو داشته باشد تا موفقیت انقلاب اسلامی را در هر مرحله از مراحل سه گانه پیش گفته، تضمین کند. بدیهی است که مرحله سوم نسبت به مراحل دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چه اینکه کارآمدی و کارایی انقلاب اسلامی و حکومت دینی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و شیعی، در این دوره ارزیابی خواهد شد. دیگر اینکه در دوره اول و دوم، هدف حرکت جامعه، به‌ویژه بر اساس هدایت‌ها و رهبری حضرت امام علیه السلام اولاً بسیط و ثانیاً شفاف و روشن بود. اما در دوره سوم این هدف ابعادی چند وجهی می‌یابد و به لحاظ پیچیدگی این ابعاد، از شفافیت و روشنی آن کاسته می‌شود که در نتیجه مسیر حرکت جامعه را با مشکلات اساسی مواجه می‌کند. حل این مشکلات نیز در سایه کشف قابلیت‌های جدید در منابع اسلامی امکان‌پذیر است. همچنین در مسیر حرکت روبه جلوی انقلاب اسلامی، بر سرعت، گستردگی و نیز چرخش تغییرات افزون می‌شود و همین امر بر حجم مسائل پیش رو می‌افزاید.

به لحاظ ساختاری نیز، جامعه اسلامی در مرحله سوم، از مزیت نظام‌مند شدن فعالیت‌ها برخوردار می‌شود که در عین افزایش میزان بهره‌وری‌ها، منجر به مسائل و آسیب‌هایی نیز خواهد شد. از طرف دیگر دشمنان انقلاب اسلامی به لحاظ شناخت گسترده‌تری که نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی به دست می‌آورند، فرصت بیشتری برای فعالیت‌های ریشه‌ای‌تر و نیز هماهنگ‌تر علیه انقلاب اسلامی می‌یابند. (مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۲۳ - ۲۲۲)

مهم‌تر از همه اینکه، مرحله اول و دوم، درون مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی و در میان مردمان مؤمن و معتقد به نظام و جمهوری اسلامی به وقوع پیوست؛ اما مرحله سوم، پای را از جغرافیای خودی فراتر نهاده و سطح منطقه و بین‌الملل را شامل خواهد شد. بالطبع مسائل و موضوعات جدیدی فرا راه خود خواهد یافت که پیش‌تر به نظیر آن برخورد نکرده بود. موارد پیش گفته و مواردی دیگر از این دست، اهمیت مرحله سوم و نیز نیازمندی آن به نرم‌افزاری جدید و شامل را مسجل می‌کند.

سیر تطور فقه به موازات انقلاب اسلامی

فقه و اجتهاد شیعی از بدو تولد، با توجه به نیازهای زمان خود حرکت کرده و به‌گونه‌ای کاملاً مطابق با اوضاع و احوال زمانه خود درصدد استنباط احکام الهی برآمده است. زمانی در حضور معصومین علیهم السلام با تکیه بر روایات ایشان، احکام الهی بیان می‌شد. دوران غیبت معصومین علیهم السلام شرایط ویژه‌ای برای شیعه بود که با مهیاسازی و زمینه‌پردازی حضرات معصومین علیهم السلام شکل گرفت. در این دوران علما و فقهای شیعه درصدد تبیین احکام الهی برمی‌آمدند. شرایط گوناگون این بازه زمانی باعث ایجاد مکاتب و دوره‌های فقهی و اصولی گوناگونی می‌شد. این جریان تا پیش از انقلاب اسلامی در یک خط مستقیم با فراز و نشیب نسبی در جریان بود و وجه اشتراک

تمامی مکاتب و دوره‌های فقهی در این بازه زمانی طولانی مدت، ادامه حیات در فضایی کاملاً و یا نسبتاً تقیه‌آمیز است. دورانی نیز که تقیه به کمینه می‌رسید، فقها تنها مأمور تمسیت احکام الهی با رویکرد فردگرایانه بودند. در واقع، فضای استنباط احکام الهی مبتنی بر حکومت دین، هرگز مهیا نگردیده بود. از همین روی تمامی ادوار گذشته و مکاتب پیشین اعم از اصولی و اخباری در قالب فقه سنتی و فردی معرفی می‌گردند. البته فقه سنتی در عین فراگیری نگاه فردی در نهاد خویش، بیگانه از سیاست نبود و اصولاً ایجاد انقلاب اسلامی، مدیون و مبتنی بر همین فقه سنتی بوده است. پس از انقلاب اسلامی ایران و ایجاد شرایط ویژه و تاریخی حاکمیت دینی، مسائل جدید و کلانی فراروی فقها قرار گرفت. پس از این مضاف، اکثریت فقهای نواندیش و پویا در اندیشه رویکردی نوین به فقه فرو رفتند.

بر همین اساس پس از ایجاد انقلاب اسلامی و در دوره استقرار، بر اثر تلاش اندیشه‌وران فقه، فقه شیعه در برخورد با مسائل و موضوعات جدید در عرصه اجتماع و حکومت با یک گام به پیش، از حالت دگم خویش به در آمد و با استناد بر لزوم استفاده از علوم تخصصی دیگر در حیطه موضوع‌شناسی و نیز با به رسمیت شناختن تأثیر زمان و مکان در اجتهاد و استنباط احکام اسلامی، فضایی به مراتب بازتر و گسترده‌تر از قبل فرا راه فقه گشوده شد. این تحرک ناشی از پیش روی انقلاب اسلامی از مرحله ایجاد به مرحله استقرار بود.

به بیان دیگر با حرکت انقلاب از مرحله ایجاد به مرحله استقرار و به وجود آمدن فضای جدید، بالتبع نرم‌افزارها نیز باید سختیت لازم با محیط جدید را می‌یافت. بدین سبب با تحولاتی کلی، فقه از مرحله سنتی به مرحله جدید پای نهاد. فقه در این دوره با عنوان فقه پویا مشهور گشته است. پس از مرحله استقرار و با ورود انقلاب اسلامی به مرحله توسعه انقلاب از جمهوری اسلامی به تمدن اسلامی و تغییرات بنیادین در اوضاع و شرایط و گسترده‌تر شدن جغرافیای اهداف انقلاب اسلامی، نرم‌افزاری معطوف به تمدن و توانایی بر نظام‌سازی مورد نیاز است. فقه در این مرحله، فقه حکومتی عنوان یافته و تفاوت‌های اساسی و بنیادینی با مرحله فقه سنتی و فقه پویا دارد.

تحلیل جامعه‌شناختی تطورات فقه در مراحل مختلف، از سطح سنتی به پویا و از پویا به حکومتی بدین شرح است: جامعه بشری از حیث ساختار و نوع اداره آن، دوره‌های متعددی را گذرانده و می‌گذرانند. اولین مرحله، جامعه طبیعی نامیده می‌شود. در این دوره مؤثرترین عامل در حرکت فردی و اجتماعی جامعه، عوامل طبیعی است؛ لذا شکل حرکت بشر و نوع زندگی و امرار معاش او نیز در این دوره بیشتر همگام با طبیعت است. حکومت‌ها نیز در این دوره بیش از اینکه وظیفه‌ای در قبال شهروندان داشته باشند، مسئولیت‌هایی منحصر در قبال عوامل بیرونی دارند. در این جامعه افراد در درون حکومت به‌ویژه در زندگی خصوصی و شخصی که گستره بسیار وسیعی دارد، از وسعت عمل گسترده‌ای برخوردارند و همین امر باعث می‌شود که در جوامع اسلامی، رهبران دینی به‌ویژه فقها برای تحقق اهداف دین به مرز ضرورت ایجاد حکومت اسلامی نرسیده و با

ایجاد رابطه ویژه با پیروان خود، امکان هدایت و رهبری آنان را حتی بدون ایجاد حکومت پی می‌گیرند. با گذشت زمان و گذر جامعه بشری از جامعه طبیعی به جامعه مدنی، حکومت اهمیت مضاعفی یافته و اینجاست که متدینان و متولیان دین، به ضرورت در دست داشتن حکومت و قدرت برای وصول به اهداف خود پی می‌برند و در تکاپوی به دست آوردن حکومت به جنب و جوش در می‌آیند. به خصوص با گسترده شدن وظایف حکومت در ارتباط با شهروندان، حکومت در دایره وسیعتری از موضوعات، اعمال حاکمیت می‌کند و همین امر باعث می‌شود در جوامع اسلامی به تدریج دایره تعارض میان اعمال حاکمیت دولت و اعمال حاکمیت دین و فقه و فقها بیشتر شود. نتیجه این تعارضات در ایران اسلامی، منجر به ایجاد انقلاب اسلامی شد. طبیعی است که هر کدام از دو وضعیت جامعه طبیعی و جامعه مدنی و به بیان دیگر، وضعیت قبل از انقلاب و وضعیت بعد از انقلاب، نرم‌افزار و فقه متناسب با خود را نیازمند است. بعد از انقلاب تا استقرار انقلاب اسلامی، جامعه انقلاب ایران، همچنان در جامعه مدنی به سر می‌برد. تنها تفاوت مرحله استقرار با مرحله ایجاد، مواجهه انقلاب با مسائل فزون‌تر و جدی‌تر نسبت به قبل است و همین فزونی نیز نرم‌افزار و فقه متناسب با خود را می‌طلبد.

پس از جامعه مدنی، نوبت به جامعه جهانی می‌رسد و در آینه جامعه جهانی، انقلاب اسلامی به مرحله توسعه وارد می‌شود. نهاد و نهان جامعه جهانی با جامعه مدنی متفاوت بوده و بالتبع نهان و نهاد مرحله توسعه انقلاب اسلامی با مرحله استقرار آن تفاوت خواهد داشت. در این مرحله، نرم‌افزار مربوط به مراحل گذشته فاقد کارآمدی و اثربخشی لازم در جامعه جهانی و مرحله توسعه انقلاب اسلامی خواهد بود. (مهدوی، ۱۳۹۰: ۲۲۴)

اساسی‌ترین سؤال در اینجا این است که با ورود انقلاب اسلامی به مرحله توسعه، آیا می‌توان بر نرم‌افزارهای پیشین اکتفا کرد و مثلاً با نرم‌افزار مرحله استقرار و یا ایجاد انقلاب، به تدبیر امور در مرحله توسعه پرداخت؟ بدیهی است که اگر مسئله بسیار مهم بقا و توسعه انقلاب اسلامی در دستور کار باشد، امکان اکتفا به نرم‌افزارهای پیشین وجود ندارد. اکتفا به نرم‌افزارهای پیشین در واقع تجویز انحطاط از جامعه جهانی به جامعه مدنی و یا طبیعی و نیز ایستا کردن حرکت پویای انقلاب اسلامی و به انحراف کشاندن آن است. با این حساب در دروازه جامعه جهانی و در مرحله توسعه انقلاب اسلامی، ما نیازمند تولید فقه متناسب با این مرحله و بازسازی، نوسازی و آماده‌سازی نهادها و ارکان نظام اسلامی برای توسعه انقلاب اسلامی از جمهوری اسلامی به تمدن اسلامی هستیم. نرم‌افزار ایدئال توسعه انقلاب اسلامی، به ابتکار مقام معظم رهبری، فقه حکومتی عنوان یافته است.

تبیین فقه پویا

فقه پویا که به عنوان نرم‌افزار مرحله استقرار انقلاب اسلامی معرفی شد، عبارت است از:

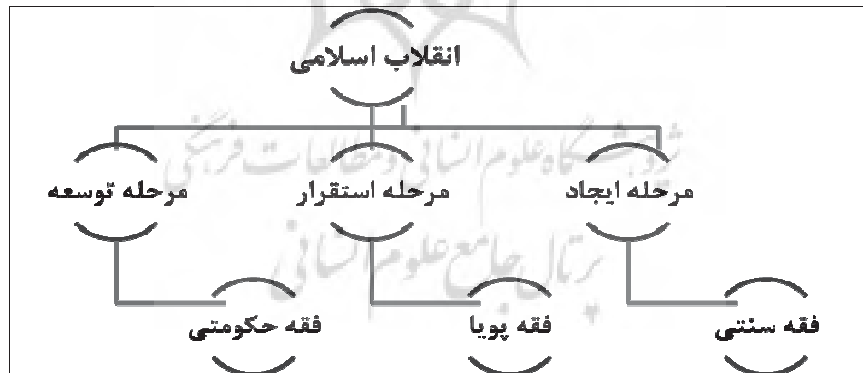
به‌کارگیری اجتهاد در منابع معتبر شرعی برای استنباط حکم شرعی موضوعات، و لیکن بعد از بازنگری در آنها و بررسی شرایط زمان صدور آنها و نیز بررسی ابعاد و ویژگی‌های مختلف موضوعات و

سنجیدن ابعاد قضایا. وصف این فقه اجتهادی به پویا بدین روست که آن در طول و گستره مسائل مستحدث و ویژگی‌های آنها در هر عصر و محیطی به مقتضای واقعیت‌های زمان و عینیت‌های خارج و مطابق با آنها از هر نوع که باشند، همگام بوده، احکام آنها را بیان می‌کند. (جناتی، ۱۳۸۹ الف: ۴۰)

در مقابل این معنا از فقه پویا، معنایی منفی قرار گرفته که باعث موضع‌گیری برخی از علما، از جمله امام خمینی در مقابل این معنا شده است. معنای منفی فقه پویا عبارت است از: «تشریح و بیان احکام، بر اساس رأی و تفکر شخصی و بر پایه مصلحت‌اندیشی غیر مبتنی بر ملاک‌های معتبر شرعی و عقلی». (همان: ۲۶) سردمداری این جریان را جریان‌های چپ اول انقلاب عهده‌دار بودند. (میرسلیم، ۱۳۸۹: ۳۱۶) آنان در مقابل جریان راست که پایبند به فقه سنتی و نیز فقه پویا به معنای مثبت آن بودند، علم فقه پویا به معنای منفی آن را برافراشته و با به چالش کشیدن اندیشه سنتی در فهم دین و فقه و متهم کردن اسلام فقاهتی به تحجر و تقلیدپروری، خواستار فرا رفتن از وضع موجود و برشکستن ساختارهای موجود بودند. (همان)

بر اساس رأی این گروه، باید هویت و حقیقت احکام شریعت را در برابر تحول زمان و شرایط و مظاهر جدید خاضع ساخت؛ با این ادعا و بهانه که احکام الهی مطابق با زمان و شرایط و اوضاع و احوال و عرف و عادت مردم، تشریح شده است و با متحول شدن آنها تحول می‌پذیرد. پیروان این جریان معتقدند که احکام دینی دارای آسان‌گیری در همه ابعاد زندگی بشری بوده و کاملاً انعطاف‌پذیر است و با تحول زمان و مظاهر جدید، احکام نیز متغیر می‌شوند. گاهی نیز ادعای به سر آمدن وقت برخی از احکام الهی را دارند و سخن از مدیریت علمی در برابر مدیریت فقهی به میان می‌آورند. شاخصه بارز این جریان، اعتقاد به تحول شریعت همگام و همزمان با تحول زمان و شرایط است. (جناتی، ۱۳۸۹ ب: ۴۸)

اقدامات و فعالیت‌های این جریان فکری، برخی حساسیت‌ها را برانگیخت و امام خمینی نیز تلویحاً در مقابل این جریان موضع گرفته، در عین اعتقاد به پویایی فقه، فقه سنتی و جواهری را ارج نهاده و تخطی از آن را برنتابیدند. مشخص است که این موضع‌گیری در مقابل یک جریان التقاطی و انحرافی است و با اعتقاد به تطور و تکامل فقه از دوره سنتی به دوره پویا به معنای مثبت آن، منافاتی ندارد.



نرم‌افزار متناسب برای توسعه انقلاب اسلامی

پس از تبیین لزوم گذر از مرحله فقه موجود به فقه حکومتی و ضرورت تحول، نوسازی و آماده‌سازی ارکان و نهادهای نظام اسلامی برای مرحله جدید، نوبت به بررسی وضعیت فقه موجود و سازوکار گذر از آن به سوی فقه مطلوب و حکومتی می‌رسد. در ادامه پس از بررسی خواص و ویژگی‌های فقه موجود و نیز نواقص آن نسبت به مرحله جدید، ویژگی‌های فقه حکومتی و راهکارهای وصول به آن را مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهیم. لازم به ذکر است محوریت مباحث آتی، آرا و اندیشه‌های مقام معظم رهبری خواهد بود. ضرورت این امر در نگاه واقع‌بین و نیز تجربه بیست و چند ساله رهبری ایشان بر مبنای فقه شیعه و وقوف حضرتشان بر وضعیت فقه فعلی، کاستی‌ها و نواقص آن برای اداره جامعه و نیز بایسته‌ها و ضرورت‌ها برای وصول به فقه مطلوب، نهفته است.

تعریف فقه حکومتی

تتبع در کتب فقهی و تأمل در اندیشه فقیهان، این واقعیت را نشان می‌دهد که همواره دو نگاه نسبت به فقه وجود داشته است:

الف) نگاه فردگرایانه: این نگاه، فقه را دانش تنظیم ارتباط انسان با خدا می‌داند و حلال و حرام را به حوزه اعمال فردی انسان محدود می‌کند؛ مسائل فقهی ناظر به یکدیگر نبوده و هر کدام مستقل از دیگری قابل بررسی است.

به بیان دیگر در این نگاه، فقیه درصدد است تا وظایف افراد و آحاد مسلمانان را روشن کرده، مشکلاتی را که در مسیر اجرای احکام پیش می‌آید مرتفع سازد و مکلفان را در دین‌داری و شریعت‌مداری یاری رساند. با این نگاه، طرح مسئله‌ها، مثال‌ها و تقسیم‌بندی‌ها، در راستای تحقق همان آرمان قرار می‌گیرد. این نگاه، تقریباً نگاه غالب تمامی دوره‌ها، مدرسه‌ها، مکاتب و پارادایم‌های فقه بوده است.

در این نگاه، فقیه می‌تواند بخشی از فقه یا همه بخش‌ها را در حالی که نظام‌واره‌ای بین این بخش‌ها وجود ندارد، استنباط کند و اصولاً فقیه درصدد ایجاد یک نظام‌واره برای جامعه اسلامی و حکومت اسلامی نیست. از این‌رو، مسائل مدیریتی و نظامات اجتماعی جامعه اسلامی از مسائل فقه فاصله گرفته و به مرور، غیر فقه‌ها، در مسائل وارد شده و مدیریت نظام اسلامی را با توجه به مقتضیات زمان و مکان به دست خواهند گرفت؛ چراکه در این نگاه، فقه عهده‌دار اداره نظام اسلامی نیست و از همین جاست که برخی احکام اجتماعی اسلام به محاق رفته و کم‌کم جامعه خواهان تغییر در این احکام می‌شود؛ زیرا عملاً فقه از صحنه اداره جامعه کنار می‌رود و نظامات جامعه با بهره‌گیری از فرآورده‌های دانش بشری در اجتماع شکل می‌گیرد و جامعه نظام می‌یابد.

ب) نگاه اجتماعی و حکومتی: نگاه دوم مبتنی بر این است که افراد به جز هویت فردی‌شان، تشکیل‌دهنده

یک هویت جمعی به نام «جامعه» نیز می‌باشند. به بیان دیگر در این نگاه، فرد در درون امت، معنی پیدا کرده و در جمع و جامعه بالنده می‌شود. این هویت جمعی نیز موضوع احکامی است و فقیه می‌بایست دو نوع موضوع را بشناسد و احکام هر یک را روشن سازد؛ آن هم نه جدا از یکدیگر، بلکه این دو هویت جدایی‌ناپذیرند و تفکیک این دو، زمینه کشیده شدن به نگاه اول را فراهم می‌سازد. با این نگاه نیز مباحث، مسائل و مثال‌ها به‌گونه‌ای دیگر خواهد بود. با پذیرش وجود و یا قابلیت وجود دیدگاه دوم، زمینه برای طرح مسئله‌ای به نام «فقه حکومتی» در برابر «فقه فردی» معنا پیدا می‌کند. اگر کسی درباره احکام فقهی در دوره حاکمیت اسلام کار می‌کند، می‌تواند آن احکام را دو گونه مورد مطالعه و ملاحظه قرار دهد:

یک طور، احکام فقهی مربوط به اداره یک فرد، منهای اینکه این فرد در کجای عالم زندگی می‌کند؛ یک وقت هم، انسان همین حکم فقهی را به عنوان بخشی کوچک یا بزرگ از چگونگی اداره یک جامعه بررسی می‌کند ... یک وقت به عنوان جزئی از مجموعه اداره کننده فرد و جامعه در حاکمیت اسلام مطرح می‌شود؛ یک وقت هم نه؛ مجرد از اسلام و فقط به عنوان حکم که برای یک فرد مطرح است... اینها با هم متفاوت است؛ حتی در استنباط حکم فقهی هم تفاوت‌هایی به وجود می‌آید؛ حتی در مسئله طهارت و نجاست، حتی در مسائل شخصی. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۶/۲/۱۳)

این معنا از فقه حکومتی، علی‌رغم برخی نظریات، به معنای بخشی از فقه و یا فقه احکام حکومتی (اسلامی، ۱۳۸۷: ۲۴) و یا فقه سیاسی (مهریزی، ۱۳۷۶: ۱۴۱) نیست، بلکه نگاهی حاکم و وصفی محیط بر تمام مباحث فقه - از طهارت تا دیات و مسائل مستحدثه - است در حالی که فقه سیاسی، نه یک نگاه و وصف، بلکه بخشی جزئی از فقه است که می‌تواند مصادیق فردی و غیر حکومتی نیز داشته باشد. مسئله مهم، دیگر بیان وجه تمایز فقه حکومتی از فقه سنتی (فردی) است. فقه حکومتی و فقه سنتی، در گستره و شمول با همدیگر تفاوتی ندارند و آنچه این دو را از یکدیگر متمایز می‌کند، این است که در فقه حکومتی به دست دادن احکام الهی در همه شئون یک نظام و حکومت الهی مدنظر بوده و به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی نظر می‌شود و تأثیر احتمالی هر حکمی از احکام در کیفیت مطلوب اداره نظام و حکومت ملاحظه می‌گردد. (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۶/۳۱) این در حالی است که در فقه سنتی و فردی، موضوعات و مسائل، با نگاه به فرد و به دور از هرگونه ملاحظه حکومتی و نه به عنوان عضوی از یک جامعه، بلکه خود، عنوان موضوع حکم شرعی مورد استنباط قرار می‌گیرد. (ایزدهی، ۱۳۸۹: ۸۲) یقیناً تفاوت فتاوا و احکام صادره از جانب فقیه در این دو دیدگاه، تفاوتی ماهوی و اصیل خواهد بود.

پارادایم فقه حکومتی

گرچه فقه شیعه نمونه‌های نادری از تجربه حاکمیت را در کارنامه خود دارد، اما این حاکمیت اولاً در همان قالب سنتی و فردی بوده و لذا توان حضور در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و دیگر جوانب حیات بشری را

نداشته است. ثانیاً مشکلات، معضلات، مسائل و موضوعاتی از جنس امروزیین آنها، فراروی فقه قرار نگرفته بود. امروزه با توجه به تغییر شرایط اجتماعی و تشکیل حکومت دینی با حاکمیت ولی فقیه و با محوریت فقه شیعه، دو مسئله مهم، ضرورت تأسیس پارادایم فقه حکومتی را مسجل می‌کند: ۱. طرح فقه به عنوان تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور و نگرش خاصی که به حکومت به عنوان فلسفه عملی تمام فقه وجود دارد؛ ۲. مواجه شدن فقه با انبوهی از مسائل و موضوعات جدید که به واسطه حاکمیت فقیه با محوریت فقه و برقراری حکومت اسلامی پدید آمده بود و فقه فردی و سیستم فقاقت موجود و روش‌های متداول با محوریت نگاه فردی به مسائل و موضوعات، توان پاسخگویی بدان‌ها را ندارد.

پیشرفت‌های جدید در علوم طبیعی، و مجهز شدن بشر به ابزار و آلات جدید برای زندگی راحت‌تر و تغییر روش‌های زندگی، برقراری ارتباطات سریع و آسان و گسترش وسائل ارتباط جمعی، بلند شدن موج لیبرال دموکراسی غربی و طرح نظریه‌هایی در زمینه توانمندی مدیریت علمی برای به سعادت رساندن بشر و بی‌نیازی از دین و فقه، و طرح صدها و هزاران شبهه در راه حاکمیت دین و فقه از راه القای ناکارآمدی دین در سامان بخشیدن به امور دنیا و تقابل مصلحت دین با مصلحت دنیا - که در راستای نظریه جدایی دین از سیاست مطرح است - همه و همه، مشکلات عملی ساختن فقه را چندین و چند برابر ساخته است و ضرورت پرداختن به فقه حکومتی را مسجل می‌کند:

با پیشرفت فنی و صنعتی و علمی بشر که بر روی همه شئون زندگی وی اثر گذارده ... تعداد موضوعاتی که ... فقه باید حکم شرعی آنها را بیان کند... به همین نسبت افزایش می‌یابد. بی‌شک سرچشمه‌های فقه و نیز شیوه فقاقت، برای فهم حکم این موضوعات، کافی است؛ ولی شناخت موضوعی آنها و تحقیق و تدقیق لازم برای تطبیق موضوع بر عناوین کلی و فقه... و خلاصه بهترین روش برای درک حکم شرعی آن، کاری مهم و راهی دراز است. همچنین ای بسا موضوعاتی در فقه مطرح گشته ... ولی امروز موضوع چنان تحول و تطوری یافته که به آسانی نمی‌توان حکم آن را ... دانست! ... فقهای عصر باید با روشن‌بینی و احاطه علمی و پایبندی به روش فقاقت از یک سو و آزاد اندیشی و شجاعت علمی از سوی دیگر، مفاهیم جدید را در فقه کشف کرده و احکام تازه‌ای را با استناد به کتاب و سنت عرضه کنند و این تکمیل فقه است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۲/۱۱/۱۴)

از باب همین ضرورت است که باید از پیگیری و تأسیس پارادایمی جدید در فقه سخن گفت.^۱ چنان‌که مقام معظم رهبری از تشکیل دوره‌ای جدید در فقه و مختصات آن سخن به میان آورده و عنوان فقه حکومتی را برای آن برگزیده است:

روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت و نظر به همه

۱. برای اطلاع بیشتر پیرامون پارادایم‌های فقهی و نیز پارادایم فقه حکومتی، ر.ک: مشکانی، ??? .

احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه فقه اسلامی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۱/۸/۲۴)

مقام معظم رهبری و فقه حکومتی

مقام معظم رهبری، از نظریه پردازان سترگ در حوزه فقه حکومتی است. از دیدگاه ایشان، «فقه اسلامی، مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه جوانب زندگی انسان است: فردیاً، اجتماعياً، سیاسیاً، عبادیاً، نظامیاً و اقتصادياً. فقه الله الاکبر این است». (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۱۱/۳۰)

از دیدگاه ایشان، نگاه حکومتی و اجتماعی به فقه در ریزترین مسائل فقهی همچون «ماء الحمام» نیز جریان داشته و این نوع نگاه در روند استنباط و اجتهاد، در مسائلی از این دست نیز اثرگذار است:

فقه ما از طهارت تا دیات باید ناظر بر اداره یک کشور، یک جامعه و یک نظام باشد. شما در باب طهارت هم که به ماء مطلق یا ماء الحمام فکر می کنید، باید توجه داشته باشید که حتی این هم در بخشی از اداره زندگی جامعه تأثیر خواهد گذاشت، تا برسد به ابواب معاملات و احکام عامه و بقیه ابوابی که وجود دارد. احوال شخصی و غیر اینها را به عنوان جزئی از مجموعه اداره کشور بایستی استنباط بکنیم. این روحیه، در استنباط اثر خواهد گذاشت و گاهی تغییرات ژرفی را به وجود خواهد آورد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۶/۳۱)

به روشنی پیداست که با نگاه حکومتی و لحاظ یارا بودن فقه در حکومت، ریزترین مسائل فردی نیز جنبه نوینی یافته و با نگاهی نوین می توان بدان نگریست. با این نگاه است که ایشان تأکید دارند مسئله ای چون ماء الحمام که به نظر می رسد هیچ ارتباطی با مسائل حکومتی ندارد، در اداره جامعه اثرگذار خواهد بود. با این رویکرد باید اساس استنباط مباحث فقهی بر مبنای مسائل اجتماعی و حکومتی باشد تا برون داد آن بتواند بیشتر از پیش در امر حکومت دین بر جامعه کارا باشد.

برای نیل به این مهم اولین گام، دگرگونی در نگاه به گستره دین و شرح وظایف آن است. اگر نگاه فردگرایانه و اجتماع گریز را بتوان به حاشیه رانده و نگاه اجتماعی که مهم ترین نمود آن در نگاه سیاسی است جایگزین کرد گام های اساسی پسینی، به استواری پیموده خواهند شد.

ما بایستی این فکر (جدایی دین از سیاست) را در حوزه ریشه کن کنیم؛ به این شکل که هم فقهت را این طور قرار دهیم و هم در عمل این گونه باشیم... [یعنی] استنباط فقهی بر اساس فقه اداره نظام باشد نه فقه اداره فرد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۶/۳۱)

ضرورت دگرگونی در نگاه به گستره و کارکرد فقه، آن گاه روشن تر می شود که بدانیم در طول تاریخ هیچ گاه شرایط بسط اجتماعی فقه به وجود نیامده و الزامات زمانه، آن را محدود در فقه فردی قرار داده است.

اما با گذار زمان و ایجاد شرایط تاریخی و سترگ کنونی نیاز به این دگرگونی بدیهی است.

در تنقیح و تحقیق فقه کنونی ما، روزگاری که این فقه بخواهد نظام جامعه را اداره بکند، پیش‌بینی نشده ... شما باید یک بار دیگر از طهارت تا دیات نگاه کنید و فقه استنباط کنید برای حکومت کردن. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۴/۶/۱۱)

اینک و پس از طرح مباحث کلی و روشن شدن چپستی فقه حکومتی، برای تبیین لزوم پرداختن به فقه حکومتی و چرایی و چگونگی گذار از فقه موجود به فقه مطلوب، به بررسی فقه موجود پرداخته، مزایا و کاستی‌های آن را مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

خط‌مشی گذار از فقه سنتی به فقه حکومتی

فقه شیعه در طول عمر هزار و دویست ساله خود آثار گرانبهایی را عرضه داشته و در طول زمان با تحول و نوآوری‌های فراوانی مواجه بوده است. گرچه فرآیند نوآوری و تحول، گاه به تندی و گاه به کندی انجام پذیرفته، اما مهم، تداوم این فرآیند است. «در فقه نوآوری همیشه بوده است، فقهای ما در طول تاریخ هزار و دویست ساله فقهت استدلالی و اجتهادی، نوآوری داشتند». (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۶/۴/۲۲) آنچه در این فرآیند مورد توجه بوده و از اهمیت برخوردار می‌باشد این است که سیر این فرآیند به‌گونه‌ای نبوده که ماهیت فقه را دگرگون کند، بلکه تحول و نوآوری در بستر فقهت و اجتهاد صورت پذیرفته و در حال حاضر نیز می‌بایست تحولات در همین بستر واقع شود.

تفقه در دوره جدید با تفقه در دوره پیش هیچ فرقی ندارد. بسیاری از مسائل امروز در گذشته وجود نداشته و فقیه مجبور نبوده که آن مسائل را استنباط کند. این با ماهیت تفقه ارتباطی ندارد، امروز هم اگر کسی بخواهد احکام جدید را به دست بیاورد باید همان کاری را بکند که فقیه پانصد سال پیش انجام می‌داد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۱/۱۰/۴)

از این بیان روشن می‌شود که تفاوت فقه حکومتی با فقه سنتی، تفاوت ماهوی فقهی نیست تا در گذر از فقه سنتی به فقه حکومتی، ماهیت فقه دگرگون گردد؛ همچنین تفاوت تفقهی نیست، بدین معنا که تفقه در فقه حکومتی غیر از تفقهی باشد که در فقه سنتی، مرسوم و متداول است؛ بلکه ماهیت فقه، ماهیتی واحد و شیوه تفقه، شیوه مرسوم فقها از صدر تا به امروز است. گذار از فقه سنتی به فقه حکومتی در گرو عوامل و برنامه‌ریزی حساب شده‌ای است که در ادامه به طور گذرا بدان‌ها اشارتی خواهد رفت.

۱. برنامه‌ریزی بلند مدت

گذار از فقه سنتی به حکومتی و همگام‌سازی فقهت با نیازهای جاری عرصه حکومت و جامعه اسلامی و

جهانی، مسئله‌ای نیست که در کوتاه‌مدت قابل دسترسی باشد. نباید امید کاذب پدید آورد که با یک برنامه کوتاه مدت، فقه و فقاقت بتواند مجموعه نیازهای جاری جامعه و نظام را برآورد و به پاسخ‌های عمیق، متقن و کارآمد در معضلات اجتماعی و حکومتی دست یابد.

باید کاری کنیم که وقتی رساله عملیه را باز کرد، بداند چرا مالیات می‌گیرند و چگونه باید بگیرند و اگر نگیرند، چه می‌شود و بقیه چیزهای دیگر. اینها باید از اسلام استنباط بشود. این کار را شما باید بکنید. من نمی‌گویم که اینها را سه چهار ساله تدوین کنید؛ پنجاه سال وقت دارید. پنجاه سال، زمان زیادی است؛ اما این کار هم، کار بسیار عظیمی است. امروز ما حکومت و کشور را اداره می‌کنیم؛ اما این اداره امروز ما با ناشی‌گری و بی‌اطلاعی و عدم تجربه و ندانستن اسلام در بسیاری موارد همراه است. همین مقدار کم است که غوغا به پا کرده و قدرت‌ها را از ما می‌ترساند. پس اگر بخواهیم به طور کامل و صحیح از آن استفاده کنیم، ببینید چه می‌شود. ... حالا شما قدم اول را بردارید، برای آن پنجاه سال بعد کار کنید، کار دقیق و عمیق. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۲/۶/۲۱)

۲. شجاعت و جسارت فقهی

ایجاد تحول در فقه کنونی و گذار از آن به فقه حکومتی، نیاز به فقیهان و دانش پژوهان فقهی شجاع دارد؛ کسانی که در عین برخورداری از تسلط فقهی و تدین، در گشودن ابواب تازه و نیز ابراز دیدگاه‌های جدید، در کمند احتیاط‌های فردی و یا ملاحظه‌کاری‌های متداول حوزوی نباشند و با بینشی باز و تلاشی فقیهانه، در مسیر استخراج و استنباط احکام الهی گام بردارند و به پیش روند و دیدگاه‌های خود را - هرچند خلاف مشهور - ابراز کنند و در معرض افکار عموم و نقد و نقادی قرار دهند.

آفاق و گستره‌های جدید در امر فقاقت، لازم است. چه دلیلی دارد که بزرگان و فقها و محققان ما نتوانند این کار را بکنند؟ حقیقتاً بعضی از بزرگان این زمان و نزدیک به زمان ما، از لحاظ قوت علمی و دقت نظر، از آن اسلاف کمتر نیستند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۴/۹/۱۴)

شجاعانه حرف بزنید؛ ... اگر چیزی ... مطرح شد که هر چند از نظر افکار عمومی فعلی، خیلی مورد قبول ذهنیت حوزه [نبود]، هر چند در آینده رد خواهد شد، اشکالی ندارد؛ لااقل مطرح بشود تا این فضا برای نظرات باز گردد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۴/۱۲/۷)

همزمان با پیدایش این روح در فقیهان و فاضلان فقه‌شناس، حوزه نیز می‌بایست شجاعت‌پذیر باشد؛ از شنیدن روش‌ها و حرف‌های نو، احساس دلواپسی نکند؛ به اضطراب و دلواپسی نیفتد و برای صاحبان آرا و دیدگان فقهی جدید، سد و مانع نترشد و موقعیت معنوی آنان را در دامن حوزه مخدوش نگرداند. بلکه می‌بایست فضای حوزه را برای شنیدن و پذیرش حرف‌های نوین فقهی آماده کند و بالاتر از آن، خود زمینه‌ساز، طرح و ابراز افکار نوین فقهی را آماده ساخته، از آرا و افکار جدید استقبال و قدردانی کند.

باید این اراده در حوزه راه بیفتد؛ باید این گستاخی و شجاعت پیدا بشود و حوزه آن را بپذیرد. البته این طور نباشد که هر کس صدایی را بلند کرد، حوزه آن را قبول کند. در عین حال نباید حرف جدید در حوزه و در چارچوبهای مورد قبول، مستنکر (مورد انکار) باشد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۴/۹/۱۴)

۳. تحول در نگرش

فقه‌هاست حوزه مبتنی بر مبانی ثابت و محکمی است که تمامی فروع از آن استنباط می‌شود. البته از دیرباز فقها با توجه به شرایط مکانی و زمانی با نگرش ویژه و اسلوب کاملاً شرعی و عقلی به این مبانی رجوع می‌کرده‌اند. با پیچیده شدن مسائل امروزی، چگونگی مراجعه و نوع نگرش به مبانی و روش‌های استنباط، زندگی ویژه‌ای است که فقها امروز از آن برخوردارند و لازم است که این نوع نگرش تقویت شود. از همین روی است که:

فقیه امروز علاوه بر شرایطی که هزار سال پیش باید یک فقیه می‌داشت، لازم است شرط هوشمندی و هوشیاری و آگاهی از جامعه را داشته باشد و الا اصول و ارکان اجتهاد و تفقه امروز با هزار سال پیش فرقی نکرده، اصول همان اصول است، یعنی یک نوع نگاه به کتاب و سنت لازم است برای فقیه تا بتواند احکام را استنباط کند و اگر نداشته باشد نمی‌تواند استنباط کند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۱/۱۰/۴)

این امر نیز مستلزم نوعی بازنگری در تمامی ابواب فقهی از طهارت تا دیات است.

ما به بازنگری در تمام ابواب و کتب فقهیه احتیاج داریم. شما باید یکبار دیگر از طهارت تا دیات نگاه کنید و فقهی استنباط کنید برای حکومت کردن. ما می‌خواهیم الان حکومت کنیم بر مبنای فقه اسلام. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۴/۶/۱۱)

۴. تحول در روش و ابداع روش‌های نوین

تلاش فقهی بایستی معطوف به تجدید نظر در روش‌ها و شیوه‌ها باشد. روش‌های متداول فقهی با تمامی اتقان و استواری، تکامل‌پذیرند و برای گذار از فقه کنونی به مرحله تکاملی (فقه حکومتی) امری ضروری به نظر می‌رسد: «فقه سنتی ما خود پویاست و از آنجا که بر مبنای اجتهاد است مشکلات را علاج و حوادث واقع را پاسخ می‌دهد». (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۸/۴/۲۰)

اما این امر بدان معنا نیست که این روش نیز به بالاترین مرحله خود رسیده و قابلیت پیشرفت ندارد، بلکه یکی از راه‌هایی که به مدد آن می‌توان فقه شیعه را متحول نمود، تحول در روش است.

همان روش فقه‌ای که قبلاً عرض شد احتیاج به تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکری نو کار بکنند تا بشود کارایی آن را بیشتر کرد... فقه اسلامی اگر بخواهد برای نظام اسلامی

پاسخگو و رافع نیاز باشد باید به شیوه و متد مأموریه خودش مورد بازنگری قرار بگیرد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۴/۸/۲۹)

این [مسئله تأثیر شرایط زمان و مکان در فتوای فقهی] یک چیزی است که اگر فقهای بزرگوار ما و فضلالی بزرگ در خصوص حوزه علمیه قم بر روی آن تکیه کنند، ابواب جدیدی از مسائل اسلامی و احکام الهی برای مردم باز خواهد شد و ما مشکلات جامعه را بر مبانی تفکر اسلامی. با شیوه فقاقت حل خواهیم کرد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۷/۱۰/۱۶)

به علاوه، راهگشایی روش‌ها و شیوه‌های نوین، با استعداد وجودی مکتشفان و مخترعان پیوند می‌خورد و توانایی‌های درخوری را طلب می‌کند و همین امر خود مقدمه تحول بنیادین در گستره فقه می‌گردد.

چه دلیلی دارد که فضلا، بزرگان و محققان ما نتوانند بر این شیوه بیفزایند و آن را کامل کنند؟ ای بسا خیلی از مسائل دیگر را غرق خواهد کرد و خیلی از نتایج عوض خواهد شد و خیلی از روش‌ها دگرگون شود. روش‌ها که عوض شد، جواب‌های مسائل نیز عوض خواهد شد و فقه، طور دیگری می‌شود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۴/۹/۱۴)

۵. شناخت شرایط و مسائل جامعه

در طول تاریخ گاه فقهایی بوده‌اند که با توجه به آسیب‌های رویکرد اجتماعی به دین بر این باور بوده‌اند که طلاب و فقها نباید در مسائل اجتماعی دخیل بوده و با دنیای بیرون تعامل داشته باشند. «نباید تصور بشود که فقها باید بروند در مدرسه‌ها بنشینند و کار به دنیا نداشته باشند». این رویکرد که درصدد رفع آسیب بود نیز با آسیب‌های فراوانی روبه‌روست. «آن فقهی که کار به دنیا ندارد، از اوضاع دنیا خبر ندارد، چگونه می‌تواند برای زندگی انسان‌ها از قرآن و حدیث و متون اسلامی نظام شایسته را استخراج کند!». (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۷/۲/۲۷)

۶. تلاش در آفاق و گستره‌های نوین

تکامل فقه و ورود در مرحله تکامل، نیابستی تکامل خطی بوده و در رشته‌هایی محدود و دامنه‌هایی خاص، تحقیقات و دقت‌های موشکافانه و ژرفکاوانه صورت پذیرد. بلکه می‌بایست در همه زمینه‌ها و در آفاق جدید و مناطق کشف نشده و مغفول مانده جستجو و تحقیقات کارآمد ادامه یابد.

محقق امروز، نباید به همان منطقه‌ای که مثلاً شیخ انصاری رحمته‌الله علیه کار کرده است، اکتفا کند و در همان منطقه عمیق، به طرف عمق بیشتر برود. این کافی نیست. محقق باید آفاق جدید پیدا کند. این کار، در گذشته هم شده است. مثلاً شیخ انصاری، حکومت را در نسبت بین دو دلیل، کشف و ابداع کرده است؛ بعد دیگران آمدند و تعمیق کردند و آن را گستراندند و مورد مذاقه قرار دادند. آفاق و گستره‌های جدیدی در امر فقاقت، لازم است. چه دلیل دارد که بزرگان و فقها و محققان نتوانند این کار را بکنند؟ (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۴/۹/۱۴)

۷. تحول در انتظارات

پس از انقلاب اسلامی ایران و حاکمیت فقه بر ایران اسلامی، نیازهای روزافزونی در حوزه فقه وارد شده و سطح انتظار پاسخ‌گویی از حوزه اجتهاد از محدوده فقه فردی و عبادی بالا رفته و به سقف مسائل اجتماعی و سیاسی و بلکه تمام شئون حکومت رسیده است. طبیعتاً فقیهان نیز می‌بایست با عنایت به نوع پرسش‌ها در حوزه‌های نوظهور به پاسخ اقدام نمایند.

این حرف که با انقلاب ما اسلام یک حیات دوباره‌ای پیدا کرده و آینده بشریت آینده‌ای آمیخته با اسلام و راهنمایی‌های اسلام و نظام اسلامی خواهد بود، این ادعا که ادعای درست و دقیقی هم هست و نشانه‌هایش را داریم مشاهده می‌کنیم، احتیاج به این دارد ما برای استنباط اسلام و فهم اسلام و کار روی اسلام سرمایه‌گذاری بیشتری بکنیم. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۳/۹/۲۰)

انقلاب اسلامی ایران این فرصت را به فقه شیعه داد که ظرفیت‌های بالقوه خود را به فعلیت برساند و حیثیت‌های اجتماعی خود را به منصفه ظهور برساند: فقاقت باید به ما نیازهای امروزمان را پاسخ بدهد؛ ما امروز می‌خواهیم حکومت کنیم. ما می‌خواهیم دولت تشکیل بدهیم، ما می‌خواهیم بخش‌های مختلف این جامعه را اداره کنیم، جواب همه این‌ها در اسلام هست، بایستی از اسلام استخراج بشود. (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۶/۴/۲۸)

فقه استدلالی ما، فقه فردی بود، حالا شده است فقه یک نظام، فقه اداره یک کشور، بلکه فقه اداره دنیا. دعوی ما این است دیگر، ما می‌گوییم با این فقه دنیا را می‌شود اداره کرد دیگر. مخصوص ایران که نیست. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۳/۳/۸)

۸. ایجاد بسترهای مناسب برای پژوهش و عرضه آرای فقهی نوین

تلاش در عرصه تحول فقه و گذار از مرحله‌ای به مرحله متکامل، به فضایی و ایجاد بسترهای مناسب نیازمند است. بایستی با پیشنهادهای کاربردی به سوی آرمان فقه حکومتی گام برداشت و آن را به واقعیت نزدیک‌تر ساخت و از ایده دوردست به امیدی در دسترس و زودرس تبدیل کرد. پیشنهادهای فراوانی در این عرصه از سوی بزرگان، علی‌الخصوص مقام معظم رهبری ارائه شده است. در ادامه به بخشی از این پیشنهادات کاربردی اشاره می‌شود.

یک. ارائه اجازه اجتهاد به روشی نوین

اجتهاد به عنوان مهم‌ترین مشخصه فقه شیعی است. از دیرباز فقهای بزرگ با پرورش شاگردانی سترگ به عنای علمی حوزه‌ها می‌افزودند. اجازه اجتهاد نیز بیشتر از روی شناخت شخصی و مباحثات علمی صادر می‌شد. شاید بیشترین اجازه‌های اجتهاد نیز از ممارست فقها بر مسائل متداول به دست آمده است. با توجه به گسترش حوزه‌های دینی و تعداد شاگردان اساتید روال سابق به سختی محقق می‌شود. برای رفع این نقصان پیشنهادات متعددی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین پیشنهادات، سازوکاری است که

مقام معظم رهبری بدان اشاره کرده‌اند:

چقدر خوب بود که اجازه اجتهاد در حوزه‌ها زنده بشود؛ منتهی به ترتیبی که من پیشنهاد می‌کنم. من می‌گویم طلبه فاضل، بعد از آنکه مقداری درس خواند و در خود، احساس قوت اجتهاد کرد و نیرو و قدرت اجتهاد را در خودش حدس زد، پیش استاد برود و او هم موضوع و مسئله مهمی را که از مسائل جدید و بحث نشده است، انتخاب کند، به این طلبه بدهد. طلبه هم برود روی این مسئله کار کند و یک جزوه - مثل این جزوه‌های تزی که در دانشگاه‌ها معمول است - تهیه کند... آنگاه شما ببینید که در ظرف چند سال، هزاران تز فقهی جالب و مسائل بحث نشده، به دست خواهد آمد. این راه را باز خواهد کرد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۱/۶/۲۹)

این سیستم می‌تواند علاوه بر ایجاد فرصت برای تمامی طلاب در ارائه پژوهش فقهی، به روز بودن این پژوهش‌ها را نیز در پی داشته باشد.

دو. برگزاری تربیون‌های آزاد فقهی

فضای آزاد فکری از دیرباز بر نظام آموزشی حوزه‌های علمیه حاکم بوده است. بسیاری اساتید مورد اشکال و رد شاگردان واقع می‌شدند و مباحثات فراوانی بین علما در می‌گرفته است. این رویکرد همیشه به طراوت علمی فقه شیعی می‌افزوده است. در حال حاضر نیز می‌توان به رویکردی جدید و کارآمد، این نظام علمی را تقویت کرد:

ایجاد محیط‌های باز برای پرورش افکار ... باید این کار در حوزه انجام شود و از چیزهایی است که حوزه را زنده خواهد کرد. ... مثلاً برای فقه، مجمع بررسی مباحث تازه فقهی مرکب از هفت، هشت، ده نفر طلبه فاضل ایجاد شود و اینها مرکزی داشته باشند و جلساتی تشکیل بدهند و سخنرانی‌های فقهی بگذارند، تا هر کس خطابه و مطلب و فکر جدیدی در فلان مسئله فقهی دارد - از طهارت تا دیات، کوچک و بزرگ - به آنجا بیاورد و آنها نگاه کنند؛ اگر دیدند ارکانش درست است (نه اینکه خود حرفش درست باشد) و متکی به بحث و استدلال طلبگی است و عالمانه طرح شده است، آن را در فهرست بنویسند و در نوبت بگذارند تا اینکه آن فرد روزی بیاید و در حضور جماعتی که اعلان می‌شود خواهند آمد، سخنرانی کند و آن مسئله را آزادانه تشریح نماید و عده‌ای هم در آنجا اشکال کنند. ممکن است کسانی که در آن جلسه هستند از خود آن شخص فاضل‌تر باشند، هیچ اشکالی ندارد. یک مسئله که بحث می‌شود، این فکر پراکنده می‌گردد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۴/۹/۱۴)

سه. راه اندازی نشریات و مجلات فقهی

بسیاری از پژوهش‌های اجتهادی در حوزه علمیه انجام می‌گیرد که می‌توان در برخی از آنها موازی‌کاری و نیز دوباره‌کاری‌ها را مشاهده نمود. این مشکل از آنجا نشأت گرفته است که این پژوهش‌ها به خروجی تبدیل نشده‌اند. با انتشار این پژوهش‌ها می‌توان محققان دیگر را از ورود در حوزه پژوهشی خاص مطلع ساخت.

وانگهی انتشار پژوهش، آن را در معرض انتقادهای جامعه آماری بزرگتری قرار داده و نقض و ابرام‌های جدید و محکمی را به وجود می‌آورد. از همین روی است که مقام معظم رهبری بر این باورند که «ما یک مجله فقهی لازم داریم. ... مگر فایده این مجله برای پیشبرد فقه اسلام، کمتر از فایده آن درس است؟» (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۱۱/۳۰)

چهار. افزایش روحیه تحمل مخالف و تحمل آراء نژاد و خلاف مشهور

حوزه‌های علمیه همیشه با روحیه تحمل مخالف عجین بوده است. البته در فرازهایی از تاریخ نیز این روحیه کاهش یافته و روحیه رد مطلق یا سنت تکفیر حاکم بوده است. این سنت که رویکرد تحول علمی را با چالش مواجه می‌ساخت باعث ایجاد فضای غیر علمی می‌گردید. البته رویکرد کلان فقها و مجتهدان بزرگ بر تحمل آراء مخالف و جوابیه‌های علمی استوار بوده است. در اصل، روحیه جوابیه نویسی و مذاقه‌های علمی باعث ایجاد روحیه تتبع فقهی می‌شده است. مقام معظم رهبری نیز به این مسئله توجه فرموده‌اند:

در حوزه‌ها باید روح تتبع علمی و فقهی وجود داشته باشد. حالا ممکن است که به قدر فتوا، مواد آماده نشود، عیبی ندارد، ولی بحث علمی را نکنند. من گاهی می‌بینم که چند نفر در یک بحث فقهی، یک حرف جدیدی مطرح می‌کنند، بعد از اطراف به اینها حمله می‌شود که شما چرا این حرف را زدید ... در حوزه علمیه باید طاققت شنیدن حرف‌های جدید زیاد باشد، هر چند به حدی نرسد که این فقیه، فتوا بدهد. ممکن است دیگری چیزی به آن بیفزاید و فتوا بدهد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۳/۶/۲۱)

ایشان علاوه بر اینکه به اهمیت قضیه اشاره نموده‌اند راهکار عملیاتی شدن آنکه عدم حمله به نظریات جدید علمی است را ارائه کرده‌اند. البته تحمل مطالب علمی باید در فضاهای علمی صورت پذیرد و ارائه پژوهش‌های غیر متقن و غیر اجتهادی در فضای عمومی آفتی است که برخی از محققان با آن روبه‌رو هستند و باعث جبهه‌گیری‌های غیر علمی دیگران می‌شود.

پنج. رفع توهم بیگانگی فقاقت و سیاست

فقه شیعه به علل مختلفی در دوران غیبت با سیاست و حکومت، میانه و رابطه‌ای نداشته است و طبیعتاً در حیطه استنباط خود نیز از مؤلفه‌های سیاست بهره نمی‌جست. به دنبال آن نیز تفکر جدایی دین و فقاقت از سیاست و حکومت توسط ایادی استعمار دامن زده می‌شد. لیکن با ورود به عرصه حاکمیت و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این خال در فقه شیعه پر شد و در این حوزه نیز فقه شیعه، رو به تکامل و تحول داشته و به سوی فقه حکومتی در حرکت است، گرچه رگه‌هایی از تفکر سکولار در جریان است. لذا اولین گام ریشه‌کن سازی این جرسومه است:

فکر وحدت دین و سیاست را هم در تفقه و هم در عمل دنبال کنید. آقایان بدانند فکر جدایی

دین از سیاست به عنوان یک آفت، به کلی ریشه کن نشده و هنوز در حوزه‌های ما متأسفانه هست و کسانی هستند که خیال می‌کنند حوزه باید به کار خودش مشغول باشد و اهل سیاست و اداره کشور هم مشغول کار خودشان باشند. حداکثر اینکه با هم مخالفتی نداشته باشد. اما اینکه دین در خدمت اداره زندگی مردم باشد و سیاست متغذی از دین باشد و از دین تغذیه بکند، هنوز در بعضی از اذهان درست جا نیفتاده است. ما این فکر را باید در حوزه ریشه‌دار کنیم. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۶/۳۱)

در عین حال حرکت به سوی فقه حکومتی نیز در جریان بوده و به مرور تفکر جدایی فقهت و حکومت را به کنار می‌زند. در واقع بینش سیاسی و وجهه سیاسی فقه، شاکله اصلی فقهت را تشکیل می‌دهد: «فقهت امروز با بینش سیاسی منافاتی ندارد، بلکه بینش سیاسی مکمل و کیفیت بخش آن است». (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۲/۱/۹)

دیگر اینکه همراهی فقهت با سیاست در عرصه اجتهاد، جز با تدوین دوباره فقه بر مبنای ایده همسازی فقهت با سیاست، راه به جایی نبرده و گره‌ای از کار نخواهد گشود:

ما بایستی این فکر را (جدایی دین از سیاست) در حوزه ریشه کن کنیم. به این شکل که هم فقهت را این طور قرار بدهیم و هم در عمل این گونه باشیم؛ یعنی چه؟ [یعنی] استنباط فقهی، بر اساس فقه اداره نظام باشد نه فقه اداره فرد. فقه ما از طهارت تا دیات باید ناظر به اداره یک کشور، اداره یک جامعه و اداره یک نظام باشد. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۰/۶/۳۱)

در همین راستا و در تکمیل مباحث فقه حکومتی، می‌بایست به تألیف کتاب‌های مستقل در ابواب گوناگون فقه اجتماعی و سیاسی اقدام کرده و در حوزه سیاست داخلی و خارجی به پرسش‌ها و معضلات پاسخ گفت و احکام متناسب را استنباط نمود: «در ارتباط با کشورهای دیگر در سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی احتیاج داریم به کتاب سیاست که در فقه ما وجود ندارد. این کتاب باید در فقه به وجود بیاید». (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۶/۹/۱۰)

هر چند حرکت به سوی فقه حکومتی، در سال‌های اخیر حرکتی خزانده و آرام داشته، اما همین حرکت آهسته، نوید تدوین نوین فقه شیعه براساس ایده اداره حکومت و اجتماع را می‌دهد:

در فقه ما به مسائل سیاسی به بعضی از فصول مباحث سیاسی کمتر پرداخته شده مگر در این اواخر که در این مرحله قبل از تشکیل جمهوری اسلامی و بعد از تشکیل جمهوری اسلامی تا حالا، مباحث سیاسی هم با همان توسعه و عمق مباحث عبادات و معاملات مورد بررسی ما قرار گرفته است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۸/۳/۳۱)

و کلام آخر اینکه: «بدانید! آن فقهی ارزش خواهد داشت، خواهد ماند، خواهد ساخت و اداره خواهد کرد که عالمانه تهیه شود». (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۳/۶/۲۵)

نتیجه

فرایند تکاملی انقلاب اسلامی، پس از گذار از مرحله ایجاد و استقرار، هم اکنون در مرحله توسعه قرار گرفته است. برای توسعه انقلاب اسلامی به تمدن اسلامی، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و تولید نرم‌افزارهای مورد نیاز آن هستیم. با استفاده از نقشه راه ارائه شده در مقاله حاضر و بر اساس یک برنامه‌ریزی بلندمدت و با تحول در نوع نگاه به فقه و ارتقای سطح انتظارات از آن و نیز مهیا کردن فضای آزاد اندیشه و تحقیقات فقهی در راستای نیازهای جامعه و نظام اسلامی و بررسی مسائل و موضوعات در قالب نسبت حکومت و فرد و نیز جامعه و فرد، باید به سوی فقه حکومتی گام برداریم. سپس مبتنی بر نظریه تحول و ارتقای انقلاب اسلامی از کشور و دولت اسلامی به تمدن اسلامی، ارکان و نهادهای اساسی نظام جمهوری اسلامی را برای کارایی و بازدهی در فضای مرحله توسعه انقلاب اسلامی، براساس فقه حکومتی و کلان نگر، به روزرسانی کنیم؛ چه اینکه هر مرحله از مراحل مختلف انقلاب اسلامی نیازمند نرم‌افزار مختص به خود است. نرم‌افزار مرحله توسعه انقلاب اسلامی نیز، فقه حکومتی است.

منابع و مأخذ

۱. اسلامی، رضا، ۱۳۸۷، *اصول فقه حکومتی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. _____، ۱۳۸۹، *مدخل علم فقه*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چ دوم.
۳. امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۱، *صحیفه نور*، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. ایزدهی، سجاد، ۱۳۸۹، «برداشتی از دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای پیرامون فقه سیاسی»، *حکومت اسلامی*، ش ۵۶.
۵. بیانات مقام معظم رهبری، سایت: khamenei.ir.
۶. بی‌نا، ۱۳۷۵، *حدیث ولایت*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۷. بی‌نا، ۱۳۶۰، *مصاحبه‌ها (مجموعه مصاحبه‌های حجت‌الاسلام خامنه‌ای)*، تهران، سروش.
۸. پژوهشکده تحقیقات اسلامی، بی‌تا، *اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری (مجموعه مقالات)*، قم، زمزم هدایت.
۹. جناتی، محمدابراهیم، ۱۳۸۹ الف، *سیر تطور فقه اجتهادی در بستر زمان*، قم، انصاریان.
۱۰. _____، ۱۳۸۹ ب، *تاریخ تحولات و کیفیت بیان فقه*، قم، انصاریان.
۱۱. حر عاملی، محمدحسن، ۱۴۱۶، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت، چ سوم.
۱۲. حسنی، سیدحمید رضا، ۱۳۸۵، *جایگاه‌شناسی علم اصول*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چ اول.

۱۳. دفتر مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ اول.
۱۴. مشکانی، عباسعلی، «درآمدی بر فقه حکومتی»، فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، ش ۶۰.
۱۵. _____، ۱۳۸۹، مقدمه‌ای بر فقه اجتماعی شیعه: کاوشی نو در فقه اسلامی؛ ش ۶۵، پاییز ۸۹.
۱۶. _____، ۱۳۹۰، «درآمدی بر پارادایم فقه حکومتی»، مجله معرفت، ش ۱۶۸.
۱۷. مهدوی، اصغر آقا و سعید رجحان، ۱۳۹۰، گفتارهایی در فقه سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۸. مهریزی، مهدی، ۱۳۷۶، «فقه حکومتی»، مجله نقد و نظر، ش ۱۲، پاییز ۷۶.
۱۹. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، تهران.
۲۰. میرسلیم، مصطفی، ۱۳۸۹، جریان شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران، تهران، انتشارات باز.
۲۱. نوایی، علی اکبر، ۱۳۷۴، «فقه حاکم»، مجله اندیشه حوزه، ش ۱، تابستان ۷۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی